

جایبان

بابا نارا است مستقل منتسب به حزب اتحادیه و جمعیتیست

پنجشنبه ۲ شهریور ماه ۱۳۲۳

(تک شماره - در همه جا ۴ ریال)

سال دوم - شماره مسلسل ۶۸



دن مالاغوس در صحنه گاو بازی بهارستان!

ق
دم شدن بهش براق
ترید
ذرتی تو ماشین برید
مپرید
که نیس مال خرید
ه
کش سبز، شور لته
هون
کنندس چون بیل دمون
تا
هوه ترك دو تاسه تا
ره
بچیز زیاد داره
و اداره
هش ز پول اداره
س
وسات همه بر اس
*
و چار
ل یارو دودور دادار
ده
نجا ها اطراخ فرموده
*
سه
الا پیش فلون که
دلیل
بد با زورچن و کبل
اره
دیگه چه کار داره؟
*
بزه
من قد که حرف ماشینه
الا
ی شونه انداختی بالا
یه ؟
نوخ در دش چیه؟
رتی
رس کنن به هیتی
شینی
توش به مستر همچینی
زور
ن یارو بکن یورا
ماش
کم بکنن افاده اش
داره
تحویل بده به اداره
نیم
و غصه کار ماشینیم
مهندس الشعراء
یا عزیزان آشنای خودکار بجز
چهارم ۱۳۲۳



بخدا انسون هر کاری بکنه به از این روزنومه نویسه .
 اگه به سال و نیم پیش عوض سیاه کردن کاغذ و دشمن تراشیدن
 برای خودمون به دقه عقلمونو سرمون جمع کرده بودیم و به
 راست میرفتیم بازار و رویه سکوتی دوزانو میشستیم واسمونو
 تاجر میداشتیم، حتم حالا خرمون از بل گذشته بود. و یا اگه با
 امثال شیخ چوقی میساختیم و هر روز چند هزار سیکار و کوفت
 و زهر مار از این دست میکسرتیم و از اون دست دولا پنهان بردم
 قالب میکردیم و پولشو باشاه دوماد برادر و نه قسمت مینمودیم
 حال امام سوار اتوموبیل بویک بودیم و دیگه لازم نبود این الاغ
 پدبختو سر پیری سوار بشیم ، اونهم متقاعدش می کردم و می
 فرستادم به کوره ده راحت بچره ودعا بجان آ شیخ بکنه .
 تمام اینا بکنار، اگه ماهم دورور یارو گرفته و
 دعوتشولیک گفته بودیم و یا مثل او با مشورتچیها ساخته بودیم،
 حال امام بو نصد هزار متر بارچه از این دولت مادر مرده و ملت
 بیصاحب تلکه شده بودیم و خواب یکنی دنیا را میدیدیم .
 والله تو این دوسه سال دمو کراسی تو این ملک هر کسی
 واسه خودش آدمی شد ، عنوانی دست و پا کرد، غیر از روزنومه
 چپهای بی دار و دسته و صاف ساده، حال تمام این مجرمو میها بدرک،
 بیوا زحمت روزنومه نویسی راتماشا کن . بچون آقا مصطفی ،
 انسون به دقه استراحت نداره نمیتونه به ساعت خواب راحت بکنه .
 آلتی به سال و نیمه که بابا میخاد چن روزی بره مرخصی ، اما
 مکه ممکنه ؟ همه اهل این شهر تهر و تو این گرمای تابستون
 اقلا چن هفته بدماوند و شمیر و کن و سولقون رفتن غیر از بابا
 که میایستی با این گرما بسوزه و بسازه . اما مخفی نونه که
 خیال دارم انشاء الله اگه ممکن شد از بروجه ها خدا حافظی
 و روبوسی کنم و یکی دو هفته سفر کنم . تا خدا چه بخاد !
 او وقت به بدبختی دیگه روزنومه نویس هم اینه که مردم
 خیال میکنند روزنومه نویس همه کاره شهره مکه به دقه آدمو
 راحت میدارن! به روز میبینی یکی اومده ازدست شوهرش شکایت
 میکنه . فردا میبینی شوهر همون اومده میخاد زنشو طلاق بده . حالا
 کی میتونه با اینا حالی کنه که اینجامحضر نیست، باباصیغه عقد و
 طلاق بلد نیست . شکایت از شربانی و شهرتاری و جیره بندی و
 مجلس و دولت که ماشاء الله فط فراونه ، مخلص کلوم هر که از
 هر که شکایتی داره و بشکایتش رسیدگی نمیکنن به راست میاد
 در باطوق روزنومه نویس و بست میشینه ، بغیالش روزنومه چی
 قاضی محل و داروغه شهره! هر چه هم با اینامیکی که جان بابا
 شما ماشاء الله هزار ماشاء الله چشم حسود کور گوش، شیطان کر
 دولت دارین، و کیل دارین ، وزیر دارین نظمی دارین ، بلدیسه
 دارین، برین سراغ اونا ، برین باونا بکین که دردتونو دوا
 کنند بخرشون نمیره که نمیره . سفت و سمج مثل امام زاده میچسبن
 بکاغذ لوق روزنومه چی و مرادشونو از اون میخان که میخان!
 مکه با اینا مینه حالی کرد که تو این ملک نه ما سر بیازیم و نه ته
 چقدر، از هیچکاره هم هیچکاره تریم . کل اگر طبیب بودی سر
 خود دوانمودی . اگه روزنومه چیها کاری از دستشون برمی اومد
 هفتاد تاشونو بدست به حاکم نظامی نمیسپردن که هر وقت دلش

مستشار کابلی !!!

میز آقا خان اشرفی طلا
 زلف داره ئی هوا ، درس به طبق
 دهنونائی داره سفید چون برف
 وقتی میخنده همچی از ته دل
 اینه که دائماً نیشش وازه
 وردسی سر بزیر و خوش کاره
 به چیز میخام بگم بین دوزده (۱)
 که هس القاب: میرزا ، آقا ، خان
 بشه توی سجات او اجرا
 میز آقا خان اشرفی طلا
 زلف داره ئی هوا ، درس به طبق
 دهنونائی داره سفید چون برف
 وقتی میخنده همچی از ته دل
 اینه که دائماً نیشش وازه
 وردسی سر بزیر و خوش کاره
 به چیز میخام بگم بین دوزده (۱)
 که هس القاب: میرزا ، آقا ، خان
 بشه توی سجات او اجرا

خوب بگو بینیم آقای بی اسم
 وقتیکه مستشاری کابل
 مثل این مستشار امروزه
 بهشون پارچه سال بسال دادی؟
 کشتی نصفی شون آبی نونسی؟
 استفاده نمودی ملیو نا
 یا که ساده همین جو بی زدوبند
 تو که هستی فرشته ، آگ ابلیس
 نمی تونه ئی جو خراب کاری
 که میز وردسی ر کردی طلسم
 گرفتی مثل توپ فوتبال بل
 کردی بیچاره هار در یوزه؟
 واسه شون حفظ نمودی آزادی؟
 باقی رهتی تو بی تمبونی؟
 از اون بی نونای بی تمبونا؟
 کردی مالیه شون ثروت مند؟
 بیادش جای این مذکر میس (۱)
 بکشد هر چی زور زند باری

آدم وقتی تو خونه میشینه
 قدر امتال تو میز آقا خان
 چونکه یا اینکه مستشار بودی
 نه که مثل ئی یارو بی ریخته
 آبروش و پهلوی ماهار ریخته

۱- بزبان ترکی یعنی «درست است» Miss-۲

مهندس الشعراء

این بود که یارو افتاد تو خط تسخیر جنت
 و هر چه داشت و نداشت فروخت و خرج دعا
 و دارو کرد ، روزی آخر که آه در بساط
 نداشت که باناله سودا کنه به دقه دیدن طاس
 تکان خورد، زودی به دستشو گذاشت روش
 و با اون یکی دستش یواشکی پای جنت
 بیچاره را گرفت و کشید بیرون . دید به
 جن کوچولو و بیر بیخت و بزم مرده و زولیده ای
 گیرش اومده . باری یارو از ذوق تو پوسنش
 نیکنجید . محکم جن را گرفت تو مشت و
 گفت ای لامصل سالی ساله من عقب تو میگردم
 و خونه و زندگیمو راه تو گذاشته ام تا تورا
 بتله انداخته ام ، حالا باید تلافی همه این
 خرجها و زحمتها رو بکنی و این خشتهای
 خونه مرا طلا کنی !
 بیچاره جن به خورده قدو هیکل بارو
 را روانداز کرد و چشماشو انداخت باین
 «بقیه در صفحه ۳»

خواست بکه چاپ کنن و هر وقت میلش کشید
 درشونو ببینده .
 این ملت بدبخت پس از اونکه برای
 رهائی از زورگویی این به مشق آقا بالاسر
 که اسمشونوزیرو و کیل و رئیس گذاشته
 اند دست بدامن عربو عجم زد و هر کسی
 را بجای کسی گرفت و نومید برگشت
 حال دیگه روزنومه هارو پیدا کرده و خیال
 میکنه که اینا دردشو دوا خواهن کرد ،
 غافل از اینکه روزنومه چی هم تو این ملک
 به بدبختیه مثل دیگران و ملت هم نمیدونه
 که این دقه هم راه خطارفته و جن پینه دوزو
 تو تله انداخته است .
 عرض کنم، میگوین یکی شنیده بود که
 اگه انسون جن رو تسخیر کنه هر چه بهش
 بکه میکنه ، مثلامکنه به دقه بهش بگه
 خونه و زندگی منو طلا کن، جن هم بدوت
 مطلقا تموم خونه و زندگی او نو طلا کنه،

درد دل

بقیه از صفحه ۲
 و عرض کرد : «قربان، اشتباه
 از دست من نیاد. بنده پینه دوز
 باره بوره داری بیار بریز جلوم
 از من ساخته نیس» .
 حالام والله شمان پینه
 نیدونم چطوره که ما ایرو پینه
 میفته . اگه بخا نیم دیکتاتور
 میراشیم و اگه بخوا نیم مشروطه
 بکی یکی تسخیر میکنیم و میر
 میشن و میشینن سر طاس و
 پیدا میکنن واسه شو میدارن دو
 والله بالله تاشما نجین
 دوزبیرین کارتون کارو دیکتو
 دیکه هم ما عقب اینا بریم و دو
 بود و همین کاسه ولی اگه به رو
 بتها را شکستیم و خردو خا
 مالونو ندیم تازه اونروز زندگی
 نکا کین، امروز بازش
 سال پیش هم دنبالشون افتاده
 جوو تتر بودن و دنیا و وضعیت هم
 چه معجزه ای نشون دادن که امر
 دیدن معجزه دارین؛ اینا امروز
 پیش میزدن و به قاز ارزش نداش
 میکنن . شما از این شترها که خ
 چه چشمداشتی دارین ؟ والله این
 کی تا حالا دیده شده که به دو
 بتونه به ملتی را که خودش از ته
 هر رند و کهنه کاری که بیست
 داری میکنه و هر کسی بیست
 نکرفته بودندش ولو شاگرد
 آزاد بخواه و اربت باباشوازم
 حسابی و صاف و ساده اونائی
 امروز سنک آزادی را بسینه
 که تاب بی آبی و ساختن با ه
 عقیده شون مثل چنار با برجا نیو
 اینا مثل ئی وقتی باد اومده خ
 اومده بادش داده ان و سرزند
 اگه از بابا نرنجین
 از اون بلاهای کنده و از اون
 کهنه اند . الهی که آزاد بخواه
 کهنه درست مثل میوه ای میمونه
 بشه و تولید کثافت بکنه . از من
 بشه یعنی اگه سنش به به حدی رس
 هم در همینه .
 این آزاد بخوهای که
 اونا سپرده این از قماش همون
 ملتی که گشاد کارشو از این
 کرسیخونه که صدر مجلس ما
 انتظار داشته باشه .
 تورا خدانگا کنین
 مدرسه تموم کرده ماش و یلون و
 مردم بیسواد کرسی نشین بی
 بقدری شور بود که خان هم نخورد
 تورا خدا ننگ نیس
 صحبت بکنه که یارو سوادش
 و دستهای لرزان و ایمان سنس
 یارو را باقراط بکشن ؟ برا
 هم میشه اخترامی قائل شد ؟
 اگه شما چشم داشتین
 محبت خاها گل میشه «د» است بی
 را میفرستادین که عقب محبت
 بریداشتن و کوچه بکوچه عقب

درد دل باباشمل

بقیه از صفحه ۲

و عرض کرد: «قربان، اشتباه کرده ای این کار را که تو میکی از دست من نماند. بنده پینه دوز جنها بودم. حالام که کفش و کیوه باره پوره داری بیار بریز جلوم تا راست وصله کنم والا چیز دیگره از من ساخته نیس».

حالام والله شماجن پینه دوز گیرانداخته این . اصلا من نمیدونم چطوره که ما ایرونیها همیشه جن پینه دوز گیرمونت میفته . اگه بخائیم دیکتاتور برتاشیم به دیکتاتور پینه دوز میتراشیم و اگه بخوائیم مشروطه زاه بندازیم هر چه جن پینه دوزه یکی یکی تسخیر میکنیم و میریزیم تو کرسیخونه و اونام جمع میشن و میشینن سرطاس و چن تا جن پینه دوزتر از خودشون پیدامیکنن و اسمشو میدارن دولت و سوار کرده مایه بختها میکنن والله بالله ناشما نجینن، تاشما امیدونو از این جن های پینه دوز نبرین کارتون کارودیکتون بار نخواهد شد . اگه هزار سال دیکه هم ماعقب اینا بریم و دو من اینا را بگیریم، همین آتش خواهد بود و همین کاسه ولی اگه به روز بخودمون جرئت دادیم و این بتها را شکستیم و خردو خاکشیر کردیم و بانخت کفشمونت مالوندیم تازه اونروز زندگی تازه ما شروع خواهد شد .

نگاکین، امروز باز شهادتبال کسانی افتاده این که بیست سال پیش هم دنبالشون افتاده بودین . مکه اینا اونروز که جوونتر بودن و دنیا و وضعیت هم برای هنر نمایشون مناسبتر بود چه معجزه ای نشون دادن که امروز هم از این امامزاده ها انتظار دیدن معجزه دارین؟ اینا امروز همون حرفائی رو که بیست سی سال پیش میزدن و به قاز ارزش نداشت تکرار میکنن، بحساب نشخوار میکنن . شما از این شترها که خدا همه چیز اونارو کوچ خلق کرده چه چشمداشتی دارین؟ والله ایناقط بدرد بار کشی میخورن و بس کی تاحالا دیده شده که به دونه و لوه و قدر قلندرو با فهم باشه بتونه به ملتی را که خودش از ته دل نخواد ، نجات بده؟ امروز باز هر رند و کهنه کاری که بیست سال مدام چرت و پینکی میزد میدون داری میکنه و هر کسی بیست سال خونه نشین بوده و یا بیبازی نکرفته بودنش ولو شاگرد میرغضب بود ، اسمشو گذاشته آزاد بخواد و ارت باباشوازمون تو میخاد . والله آزاد بخوایهای حسابی و صاف و ساده اونائی بودن که مردند و رفتند و اینا که امروز سنک آزادی را بسینه میزنن اون علف هرزه هائی هستن که تاب بی آبی و ساختن با هر آب و هوائی راداشتن . اینا در عقیده شون مثل چنار با برجا نبودن که تند باد حادثه اونارو بشکته اینا مثل نی وقتی باد اومده خم شده ان و بحساب هر طرف باد اومده بادش داده ان و سرزنده موندن اینام همینه و بس .

اگه از بابا نرنجین عرض میکنم که تو این ملک یکی هم از اون بلاهای گنده و از اون چیزای بدهمین آزاد بخوایهای کهنه اند . الهی که آزاد بخواد هیچوقت بیرو کهنه نشه . آزاد بخواد کهنه درست مثل میوه ای میوه که به موقع نچینندش و بمونه گنده بشه و تولید کثافت بکنه . ازمن بپرسین اصلا آزاد بخواد نباید پیر بشه یعنی اگه سنش به به حدی رسید باید راحتش کرد و صرفه خودش هم در همینه .

این آزاد بخوایهای کهنه که امروز شمارنوشتنو دست اونا سپرده این از قماش همون جنای پینه دوزن، راستی وای بحال ملتی که کشاد کارشو از این وزیرای زوار در رفته و از این کرسیخونه که صدر مجلسش معجونئی از بیحالی و بیکفایتی است انتظار داشته باشه .

تورا خدانگا کنین تو مملکتی که گله گله با سوادها و مدرسه تموم کرده هاش و یلون و سرگردون خیابونارو گزمیکنن مردم بیسواد کرسی نشین بی سوادتر از خود تراشیده ان که بقدری شور بود که خان هم نخورد و بقدری بیسواد بود که رستم هم فهمید تورا خدا تنگ نیس که به ساعت مدام کرسیخونه سر این صحبت بکنه که یارو سوادش کافیه یا نه و با اون چشمهای چپ و دستهای لرزان و ایمان سستشون مقال ترازو بیارن و سواد یارو را باقیراط بکشن؟ برای چنین آدمها و چنین دستگامی هم میشه اختتامی قائل شد؟

اگه شما چشم داشتین اونائی را که ورد زبونشون « از محبت خاها گل میشه » است بکرسیخونه نیفرستادین . آدمائی را نیفرستادین که عقب محبت و دوستی نیگشتن بلکه، چراغ بر میداشتن و کوچه کوچو عقب دشمن میکشتن و حقشونو کف

اخلاص از بوستان

فی النصیحه

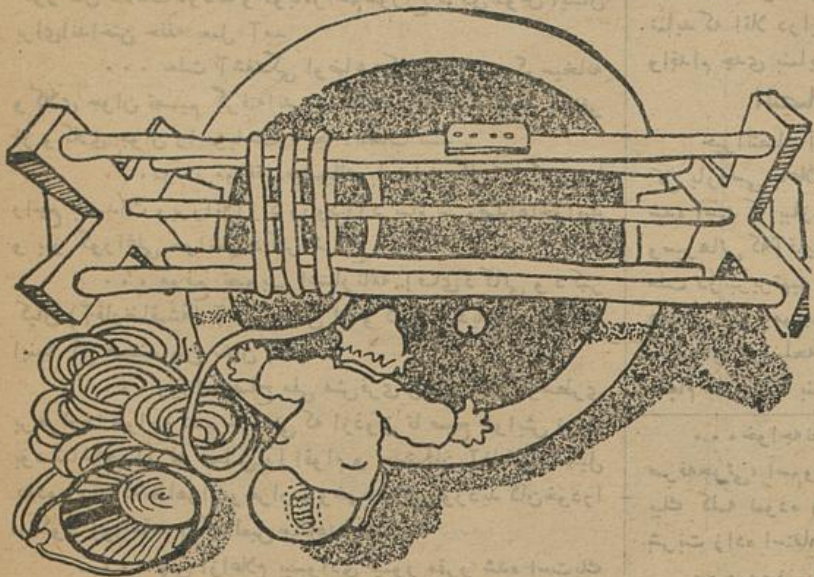
نگه دار پند خردمند را نه آسان بود راه نادیده برد شدی دکترو دانش اندوختی! فزودی بکرسی ز خود اعتبارا! بکیفر مده اعتبارم هدر فراهم نمودم تو را این مقام که ما از تنعم ششستیم دست امیدم که گردی چو من کامیاب نظر در صلاح رعیت کنی حساب از همین یک نفس کن که هست ده و خانه و قصر و مهمانسرای درخت وجودت نیارود بار تنوری. چنین گرم و نانی نبست بروزی از آن لاجرم برخوردار پی خدمت او میان بسته دار پس او هر چه بر ما پسندد رواست که هر کوفز و تتر طلب کرد یافت ز قانون و کیفر مرا هیچ باک ز اموال دولت بیر تا توان

یکی پند می داد فرزند را که تنها نداند شدن طفل خرد سفر کردی و رقص آموختی! کنون چون گرفتی بکرسی قرار در ایران چو گشتی زهن معتبر ترا کرده ام من معاف از نظام ترا هست نوبت بر این خوان نشست سپارم تو را این زر و ملک و آب مبادا گسه تا هر چه نیت کنی چو دی رفت و فردا نیاید بدست بماند آنکه ماند پس از وی بجای نماند اگر ثروت یادگار بهل تا بدنندان گرد پشت دست درخت رفاقت اگر پروری ز تنقید دولت زبان بسته دار پسندش چو افزایش مال ماست پی رشوه کم نباید شتافت نبوده است هرگز در این آب و خاک چو خواهی که نامت بود جاودان

که این سر زمین سفره عام اوست

بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست

حضر تقلی



سرچاه شهرداری در میدان اعدام

مقنی توی چاه - هی میکی بکن بکن! بین کره سوراخ شد و از سانفرانسیسکو سردر آوردم و تذکره هم ندارم!

دستشون میداشتن . بخدا کسی که دشمن نداره حتم دوستی را هم بلد نیس . هر کس میتونه دوست داشته باشه، اینکزه زحمتی نداره حتی در فرنگستون حیوانات هم دوست دارن و این دو ستان حیوانات باطوق و باشگاه هم دارن، مرداونه که دشمن داشته باشه یعنی حقیقتهای تلخ را بگه و از دشمن و دشمنی ترسه .

بازم بهتون میگم ، این دستگام ها واسه شما کاری صورت نخواهند داد و از این امامزاده ها معجزه نخواهید دید .

مخلص شما باباشمل

شواش میون کلا

مشکی مثل شبق

ساج فیل، بی حرف

اختیار آدستش ول

مشرب و رفیق بازه

تا پاش میباره

ماده صد و نوزده

بامر قانون دان

میشه باد هوا

ر کردی طلسم

توپ فوتبال بل

ه هار در یوزه

ظنمودی آزادی؟

تو بی تمبونی

ونای بی تمبونا

شون ثروت مند

سن مذکر میس (۱)

نی زور زند باری

مکر که کردش میبینه

نی مردم ایران

حفظ فرمودی

مهندس الشعراء

فتاد تو خط تسخیر چن

شت فروخت و خرج دعا

ای آخر که آه در بساط

بودا کنه به دغه دید طاس

به دستشو گذاشت روش

س یواشکی پای چن

کشید بیرون . دید به

ت و بزمرده و زولیده ای

یارو از ذوق تو بوستن

چن را گرفت تو مشنرو

ساله من عقب تو میگردم

راه تو گذاشته ام تا تورا

لا باید تلافی همه این

بکنی و این خشتهای

خورده قدو هیکل یارو

چشاشو انداخت باین

بقیه در صفحه ۴



خبرهای کشور

ایجاد وحشت

پیشنهاد بعضی از وکلای در جلسه ۲۹ مرداد دایر بر واگذاری حقوق ایام مرخصی نمایندگان به امور خیریه تولید وحشت زیادی در بین وکلای ملت که عموماً نادر هستند کرد. مخصوصاً نمک معدنی و حیدر امام آبادی و چوپان و صدارت و غیره خیلی از این قضیه دلخورند زیرا حقوق مثلاً پانزده روز مرخصی که بالغ بر سیصد تومان میشود در زندگی ایشان تأثیر فراوانی دارد. باباشمل - تصور می‌رود که در صورت عملی شدن این مجازات نمایندگان بکلی از تقاضای مرخصی صرف نظر نمایند.

تغییرات در حزب

بطوریکه خفیه نویس مخصوص باباشمل اطلاع میدهند و سوا و علمداران حزب توپاز میخواهند بهر وسیله ای شده عنبر کاظم کالباسی را از حزب بخواهند.

پخش سیگار

خفیه نویس باباشمل اطلاع میدهد که بعضی تمام شدن مدت انحصار پخش سیگار ممکن است اشخاصیکه تا کنون از این انحصار و طرز خراب پخش آن استفاده نموده اند جارو و جنجالی تولید نموده و بیش از پیش مردم را از حیث سیگار در مضیقه گذارند تا بدین وسیله راضی بتهجد با انحصار پخش آن گردند باباشمل : از داش میلیسو تقاضا می نماید که اقلاً در این قضیه قضاوت عادلانه و اقدام جدی بنماید.

انتصاب جدید

خبر انتصاب آقای دیویان بر ریاست کل بازرسی باعلاقه کامل تلقی و پیشنهاد شده است که ببازرسان دارائی از کلاه خود و سپرهای که آقایان دیویان از بیت المال ملت در تبریز تهیه دیده بودند و در اداره دارائی تبریز موجود است تقسیم نمایند که بازرسان با اسلحه جدید الا اختراع دیویان انجام ماموریت بنمایند.

... خواجه نصیر ساسانی هم از لحاظ صرفه جوئی، اسم و نام خانوادگی را تبدیل بیک کلمه نموده و مرتب از محضر استادی شربت زاده استفاضه شاگردی مینماید.

... روز یکشنبه وقتی کرسیخانه از اکثریت افتاده بود آقای رئیس بمحمد حرمله که پشت تریبون منتظر دعوت رفقا بود یواشکی چنین گفت : بنظرم کرسی نشینان هم مرض اسهال گرفته اند.

... سه متر حریر کرسی نشینان رسید. ... طرح حق انتخاب شدن زنان کیک توپوستین کمتر از زنان انداخته است که مبادا دوره دیگر محروم بمانند.

... قضیه پانصد هزار متر رشید بمحکم رجوع شده است و حیات قوی او مشغول عمل اند.

... اتومبیل دولتی شماره ۵۲ عصر روز دوشنبه سی ام مرداد ماه بانوان حرم سرای روسا و با ماشین نویسان دلربا را

بتاریخ ۲۳ ر ۵ ر ۲۹
شماره ۳۶ ر ۳۳ ر ۲۰۰۱



وزارت دارائی

انحصار دخانیات ایران

آقای مدیر محترم روزنامه باباشمل در شماره ۶۷ مورخ ۲۶ مرداد ماه ۱۳۲۳ آن روزنامه صفحه ۴ ستون اخبار کشور تحت عنوان (در اداره کسل دود کشخانه) شرحی نوشته شده بود که اگر چه جنبه شوخی داشت ولی چون در ضمن شوخی هم اگر مطالبی مخالف با حقیقت نوشته شود ممکن است تأثیر بدی در افکار باقی بگذارد لهذا توضیح مراتب زیر تصدیق داده و ممنون میشوم دستور فرمایید در اولین شماره آن جریده درج نمایند. راست است که بنده گاهی از بد رفتن اشخاص معذرت خواسته و در دفتر خود مشغول کار میشوم و این اتفاق هم در هفته گذشته روی داده ولی مطمئن باشید که مشغول تهیه هیچگونه قراردادی برای واگذاری هیچ عملی بهیچ کس نبوده ام. اگر عکس آن گفته شده بود شاید بحقیقت مقرون بود.

مدیر کل انحصار تریاک و دخانیات ایران منوچهر نیک پی

باباشمل - آئی جناب آقای نیک پی اولن اصلن ما نمیدونستیم که وقتی خیک پی بنویسن شما به غیبتون میکیغید و غ میاید از خیک پی دفاع میکنید. ثنائین خودتون هم اقاغ مینمایید که گاهی از بد رفتن اشخاص معذرت خواسته و دغ دفتغ خود مشغول کاغ میشوید و بن تقاق دغ گفته گذشته هم غوی داده است و متخیغ بابا لا اقل نصف خبغ غادغست گذاغش داده است. اینککه میفغما میدمشغول تهیه قفاغدادی بغای وا گذاغی هیچ عملی به هیچکس نبوده و اگغ عکس آن گفته شده بود شاید بیشتغ بحقیقت مقفون بود، ما بقول بچه های امغوزی از این اقاغ شما اتغاذ سند میکنیم و امیدواغیم که آینه حقیقت امغ غغا غوشن کند.

اغاد تمند شما : بابا غ شمل

بگردش عصرانه میبرد. ... حذاقت کرسی نشین ساده لوح عصر چهارشنبه گذشته در کرسیخانه برای تملق پنج بار ببیلیسپاک Good evening گفت و جواب نشنید.

... چند روز قبل آقای جسمی بکمسیون جیره بندی آمده و داد و قال راه انداخته بود که چرا دفتر چه کوبن من قرمز و مال دیگران آبی است و بالاخره رئیس کمسیون نتوانست او را قانع نماید که آبی و قرمز فرقی باهم ندارند.



ایران (شماره ۷۵۰۹)
ماه مبارک رمضان یکی
متبرک مسلمین است.

باباشمل - شما از این باب
راحت است چون مسافر الجزیر
فصداقامت نموده اید با کمال راحت
روزهتان را بخورید.

طوفان شرقی (شماره ۴۹)
در خراسان چه دیدم ؟
باباشمل - زیارت که انشا
ای ، بقیه اش را خودت بگو.

رعد امروز (شماره ۲۳۵)
مجلس در چه حال است ؟
باباشمل - در حال قیام و قعود
برای گرفتن رأی.

۵۵ (شماره ۲۲۲)
آیا دولت ساعد سقوط می
ترمیم میشود ؟

باباشمل - چه سقوط کند
شود بحال ملت یکی است فقط
بناست استفاده کنند. از این آب
ماهی میکیرند.

نجات ایران (شماره ۳۵۹)
آقای نخست وزیر کاروزار
برسوائی کشیده.

باباشمل - مثل کار سائروزار
مثل کار کرسی خانه، مثل همه کاره
دولت علیه و مجلس ملیه !



اسدل همه
در فیلم
« من هم وزیر بوده
فلم صامت



داری

نایات ایران

م روزنامه باباشمل

مورخ ۲۶ مرداد ماه
صفحه ۴ ستون اخبار
(در اداره کسل دود
ته شده بود که اگر چه
ولی چون در ضمن
بسی مخالف با حقیقت
است تاثیر بدی در
بنده توضیح مراتب زیر
میشوم دستور فرمائید
چریده درج نمایند.
بنده گاهی از پذیرفتن
استه و در دفتر خود
بن اتفاق هم در هفته
لی مطمئن باشید که
نه قراردادی برای
بهیچ کس نبوده ام.
شده بود شاید بحقیقت

یک و دخانیات ایران

منوچهر نیک بی

آقای جناب آقای نیک بی

نستیم که وقتی خیک بی

ن میگیرید و غ میاید

نکنید. ناین خودتون

گاهی از پذیرفتن اشغاس

دفتح خود مشغول کاغ

خفته گذشته هم غوی

لا اقل نصف خبغ غادغ

اینکه میفمائید مشغول

وا گداغی هیچ عملی به

غ عکس آن گفته شده

بقت مقفون بود، ما بقول

ز این اقفاغ شما اتخاذ

راغیم که آبنده بحقیقت

ندم سلام بلند بالای بابا

قدیمی وصیمی، آشیخ

شما : بابا غ شمل

بیرد .

رسی نشین ساده لوح

ته در کر سیخانه برای

Good evening

وز قبل آقای جسی

ی آمده و داد و قال

چرا دفتر چه کوپن

ن آبی است و بالاخره

نست اورا قانع نماید

ی باهم ندارند .

کلمات طوال

اگر زن شما بشما گفت « آخر من
جوایم را در خانه تو تمام کرده ام » جواب
بدهید « بدبختانه پیریت را هم اینجا می
گذرانی. »

خانه صحنه بازی تراژدی عشق است.
وقتی که پدرها نمی دانند دخترشان
چکار میکند مادرها خوب حدس میزنند.
دختر برات بوعده است.
در عشق بازی زنها معاملات بوعده
را بر معاملات فوری ترجیح میدهند .

ندای عدالت (شماره ۴۸)

اگر گفتی چرا تعلیمات اجباری پس
از آنکه با آنهمه سلام و صلوات لایحه اش
تصویب شد در سبد فراموشی افتاد و گویا
خوراک موشها شد ؟

باباشمل - برای آنکه فعلا گریه ای
نیست که حق این موشها را کف دستشان
بگذارد . بعلاوه این موشها بدستور گریه
کبیر که همه اختیارات را در دست گرفته
است کار می کنند .

گوشش (شماره ۵۳۹۰)

چرا باید دولت اینقدر بی فکر باشد
که از تجربه تلخ قحطی دوسال پیش تحصیل
آزمایش نکرده باشد .

باباشمل - همقطار چرا اشتباه می کنی،
هیئت دولت گفته اند ، نه آزمایشگاه
قحطی . زیرا آنجا اصلا قحطی راه ندارد
تا آزمایش کنند .

پارس (شماره ۲۲۲)

ما را گول زدند .
باباشمل - مکه خدا نکرده بشاهم
مستشار قالب کرده اند ؟

نجات ایران (شماره ۲۵۸)

سرفتنه دارند ! معلوم نیست از
جان ما چه میخواهند ؟
باباشمل - نجات ایران را .

اطلاعات هفتگی

آیا از انتخاب خود مطمئن و راضی
هستید ؟

باباشمل - چه راضی باشیم چه نباشیم
عجالتا که کار از کار گذشته و آنهایی را که
ما انتخاب کرده بودیم رندان عوض کرده
و عوضش دیگران را بریشان بسته اند .

پولاد (شماره ۷۰)

کاش می دانستم چه نوع حکومتی
داریم .
باباشمل - ای جاهل ملعون مرتجع !
هنوز نمیدانی حکومت مشروطه بتمام معنی !
با یک دوجین وزیر دموکرات و یکصد و
سی و شش کرسی نشین آزاد بخواه ! داریم
وروز شب دعا بجان این متولیان حکومت
ملی ! می کنیم .

ندای آزادی (شماره ۵)

باید چند نفر خائن را قربانی سعادت
ملت ایران کرد .
باباشمل - عجالتا که خائنین دارند با
خیال راحت ملت را قربانی سعادت خودشان
می کنند و تره هم برای حرفهای بنده و شما
خورد نمیکنند .



زبان حال رستم زابلی

ساعد ای آنکه پیش گفتارت

بازبان فصیح خاموشم

وقت ترمیم دولتت کن یاد

ای که هرگز نه ای فراموشم

حضر تقلی

میش و نوش

گاو در علفزار !

چو فرخ طعنه تیمور بشنید

ز خشم افکند بر ابرو گره را

بشمشیر زبان کار عدو ساخت

کشید از تیر زهر آلود ، زه را

که در مجلس چو اید بیسوادی

(نه که را منزلت ماند نه مه را)

(ندیدستی که گاوی در علفزار)

(بیسالیید همه گاوان ده را !!)

شیطونک

فرق بین حکومت دموکراسی

و دیکتاتوری

فرق بین حکومت دموکراسی و دیکتاتوری آنست که
در حکومت دیکتاتوری و کلابساز دولت میرقصند و در حکومت
دموکراسی دولت بسازو کلا . و در هر حال ملت بساز هر دو
باید بر قصد .

از سرشت ، به شمل متکلم تیمور

بکوری چشم دشمنان آقای تیموری

نمونه از خط فی المجلس ایشان

دومین مسابقه بینک بونک مجله هولیوود از روز ۲۳ ر ۶۴ ر ۲۳
آغاز میگردد که (فینال) آن در سالن سینما ها خواهد بود .
شرکت در مسابقه برای همه آزاد است برای ثبت نام و
دریافت کارت برای تماشای مسابقه بدفتر مجله خیابان فردوسی
مراجعه نمایند .



اسدل ممه
در فیلم

« من هم وزیر بودم »
فیلم صامت

مجلس



جلسه ۴۴ مرداد

آقای ثقة الاسلامی - خواستم آقای وزیر پیشه و هنر توضیح بدهند ذغال سنگ زیر آب و انبارهای آن در چه حال است. وضع انبارها و محتویات کارخانه شاهی، چالوس، بهشهر، از مواد خام و بافته شده چقدر است؟

بابا شمل - خدا پدرت را بیامزد. تو هم وقت پیدا کردی! بیچاره آقای وزیر حالا بی دست و پا کردن برای جا کردن خودش در کابینه جدید است.

آقای ثقة الاسلامی - آقای نیکجو رئیس گمرک بندر پهلوی با آن بمباران ها در محل ماموریت خودش ماند.

بابا شمل - ولی حاجی اردوان از آذر بایجان فرار کرد و معلوم نیست حالا با کدام روی می خواهد بهمانجا برود و میداندازی هم بکند!

آقای دکتر کشاورز - بواسطه خشک شدن تدریجی مرداب اصلا موضوع صید دارد از بین میرود.

آقای دکتر آقایان - دریا خشک می شود، دولت چکار بکند؟

بابا شمل - آب زیبادی تهران را چند روز به بندند به مرداب.

آقای دکتر کشاورز - بنده در جشن مشروطیت خواستم در رادیو صحبت کنم ولی اداره رادیو نطق مرا سانسور کرد.

بابا شمل - چنین مجلسی چنین آزادی هم لازم دارد.

آقای فرمند - در نتیجه خلفه کاریهایی که شد دوسیه هائی تشکیل شد ولی وقتی بطهران رسید و موضوع اشخاص متنفذ بود همه متفرق و پراکنده شد و دوسیه ها را خوابانند.

آقای رفیع - مثلا متنفذین کیها هستند؟

بابا شمل - دور و برت را نگاه کن!

آقای فرمند - در وزارت کشاورزی اسناد خرجهائی هست که با بولهای سی و سه ملیون تفاوت دارد.

بابا شمل - عجب تنگ چشم هستی این سی و سه ملیون را هم نمی توانی تو جیب این چند تا خدمتگذار جامعه! ببینی.

آقای وزیر کشاورزی - من که وزیر کشاورزی هستم با کمال تأسف خدمتتان عرض میکنم...

بابا شمل - که من وزیر کشاورزی هستم.

آقای وزیر کشاورزی - اما راجع به اختلال وی بی نظمی هائیکه در کلیه امور هست، زبان اینجا رسید و لال گردید.

بابا شمل - انشاء الله.

آقای وزیر کشاورزی - دوسیه زندگانی من بسی پاک است اما به کی تکیه کنم؟

بابا شمل - ماشاءالله شما وزیرها همه جا تکیه می کنید و بهربر کاهی متشبت می شوید غیر از آن تکیه گاه حقیقی.

آقای وزیر کشاورزی - من از کسی پروائی ندارم.

بابا شمل - بنام تاثیر استیضاح را که همه تان را مجبور بنظا هر و حماسه سرائی کرده است.

آقای فرخ - راجع بنمایندگی آقای تیموری عرض میکنم ایشان فاقد خط و سوادند.

بابا شمل -

عموم مجلسیها بی سوادند

ورا این موهبت تنها ندادند.

آقای فرخ - باید يك كمسيوني شود وايشان را در اين قسمت امتحان كنند.

وکالت خانم ها

بعد از این مجلس ما، لاله ستان خواهد شد

و این چمن جلوه - گه سرو قدان خواهد شد

آید آن فتنه پدیدار که نشنیده کسی

و آن قیامت که شنیدیم، عیان خواهد شد

عوض شیخ، رخ شوخ دلارا، نگریم

دیده از جلوه این، فارغ از آن خواهد شد

چون گشاید لب خود سرو روانی، پی - نطق

آب از لوجه حضار، روان خواهد شد

دل اکبر، به نگاهی ضربان خواهد یافت

چشم دشتی، به غزالی نگران خواهد شد

آتشین چهره ای از جلسه چو غایب گردد

شوق از آتش دل، نعره زنان خواهد شد

مجلس امروز اگر جای دغل بازان است

بعد از این قبله صاحب نظران خواهد شد

صحن مجلس، پس از این کعبه دل خواهد گشت

نرخ کرسی، پس از این قیمت جان خواهد شد

من نگویم که از این ره چه شود حاصل ما

گویم اینقدر که ذوالقدر جوان خواهد شد

بعد از این رای بخوبان دلارای دهید

وز کرم زاغچه را نیز دران جای دهید

زاغچه

بابا شمل - در تهران هم انفرمیه اداره میکند و بدولت حق نظارت هم نمیدهد.

جلسه ۴۶ مرداد

آقای فداکار - من از دو ماه است از وزیر پیشه و هنر سئوالی راجع بکارخانجات کرده ام برای جواب حاضر نشده اند.

آقای وزیر پیشه و هنر - من همیشه در مجلس حاضرم جز يك هفته که مریض بودم.

بابا شمل - خدا شفات بدهد. بنظم مرض تو باز یا حزب سازی گرفته بودی.

آقای فرخ - من در جلسه قبل تب داشتم بشهادت آقای دکتر طاهری ...

بابا شمل - تصدیق طیب، مجاز لازم نیست، معلوم بود که تب داشتی!

آقای هاشمی - از ۳۲۶ سال قبل از میلاد از زمان تارخ امیر البحر اسکندر یونانی که از کرمان عبور نمود هنوز آن محل نامل بتغییر و ترقی نشده است.

بابا شمل - عجب بدقدم بوده انشاءالله قدم کاظم کالباسی رقع نحوست امیر البحر اسکندر را خواهد نمود.

آقای فیروز آبادی - پیشنهاد میکنم کلیه اختیارات با آقای وزیر بهداشت داده شود.

بابا شمل - تا بعد با هم قسمت کنیم.

آقای سید ضیاءالدین - در انگلستان تمام مریضخانه ها را مردم اداره میکنند و دولت فقط نظارت دارد.

بابا شمل - رجوع شود بكمسيونت امتحانات برياست آقای تیموری و مجبری آقای رحیمیان.

آقای فرخ - آقای مرآت اسکندریاری برروز فرمودند احترام امامزاده بامتولی است.

بابا شمل - و در باره خود شانت نیز صدق میکند. بهتر است ایشان هم در کار پردازی بدردم برسند نه اینکه باعث زحمت مستخدمین بیچاره مجلس شوند.

آقای امیر تیمور - من داوطلب ریاست مجلس نبودم.

بابا شمل - بنده هم همینطور.

بابا شمل - رجوع شود بكمسيونت امتحانات برياست آقای تیموری و مجبری آقای رحیمیان.

آقای فرخ - آقای مرآت اسکندریاری برروز فرمودند احترام امامزاده بامتولی است.

بابا شمل - و در باره خود شانت نیز صدق میکند. بهتر است ایشان هم در کار پردازی بدردم برسند نه اینکه باعث زحمت مستخدمین بیچاره مجلس شوند.

آقای امیر تیمور - من داوطلب ریاست مجلس نبودم.

بابا شمل - بنده هم همینطور.

آقای امیر تیمور - آقای تیموری خطش خیلی از خط آقای فرخ بهتر است.

بابا شمل - و سوادش از مال بنده.

آقای رضاحکمت - در این مجلس باشخاص فاقد اعتبارنامه رای دادید، باشخاصی که اکثریت اعضای انجمن نظارت رای بیطلان آراء شان داده بودند رای دادید ...

بابا شمل - حق و حقیقت را زیر پا گذاشتید و فقط حق دوستی را ادا کردید...

آقای سید ضیاءالدین - در انگلستان تمام مریضخانه ها را مردم اداره میکنند و دولت فقط نظارت دارد.

بابا شمل - تا بعد با هم قسمت کنیم.

آقای سید ضیاءالدین - در انگلستان تمام مریضخانه ها را مردم اداره میکنند و دولت فقط نظارت دارد.

بابا شمل - تا بعد با هم قسمت کنیم.

آقای سید ضیاءالدین - در انگلستان تمام مریضخانه ها را مردم اداره میکنند و دولت فقط نظارت دارد.

بابا شمل - تا بعد با هم قسمت کنیم.

آقای سید ضیاءالدین - در انگلستان تمام مریضخانه ها را مردم اداره میکنند و دولت فقط نظارت دارد.

بک کله طاس + یک ...
چندساله در سوئیس - تحصیل
انری از جاهت ملی + ارتیه
لیدی کرسی نشینان آذر بایجان
مآبی دوآتشه مخلوط با نظاهر
+ دشمنان زیاد = صیغه الاز
بک شخص - شخصیت
+ خانواده مرتجع در آذر بایجان
منصب روحانیت از تزار متوفی
کشمکش + چندین بار چه دهان
بک ع قلب مدت بلا تکلیفی
نفر طرفدار غایب در کرسیخا
بقیه مجلس
آقای کاظمی - پیشنهاد
اطباء یکسال در خارج از مر
کنند
بابا شمل - عجب، یعنی آذر
را هم میفرمائید از بین ببرند
بنده هم پیشنهاد کنم که کرسی
باید یکسال در جزیره قشم رو
جلوس فرماید!
یکشنبه ۲۹ مرداد
آقای دکتر شفیق - در باب
من بالاخره معتقدم متمکنین از حقه
صرف نظر کنند
بابا شمل - مجد مومیایی که
انبارا گرفت و متولی نظامنامه
لا بد میخوای جای سیدانقرمیه
و مریضخانه درست کنی و ...
آقای ملک مدنی - آقای
از اشخاص خیر هستند و در جنوب آ
دارند
بابا شمل - چه اصراری دار
اشخاص خیر را در تهران جمع
تهران انفرمیه و رفقایش بس است
چند تا هم از این اشخاص خیر د
بمانند تا آنها هم از فیض و جود
مستفیض بشوند
آقای فیروز آبادی - هر چند
بعین اسکندریاری رفیقم باز هم
کم باید بصندوق خیریه بدهند
بابا شمل - لابد با این وجود
چرمی خریداری خواهد شد و بنده
آنجا خواهم شد
آقای فداکار - در اصفهان
که صحبت کردم، قیمت يك متر
برای کارخانه ۴ ریال تمام میشود
آزاد نود ریال میفروشند. بار چه
الی ۷۰ ریال تمام میشود و در بازار
الی ۸۰ ریال بفروش میرسد. این
غارت است که میکنند
بابا شمل - بنظم چشم آقای
امام را دور دیدی... آقای ملک
که هم نه یکسهم دارد و نه يك و
و فقط محض رضای خدا و طر
بقیه در صفحه ۷

حساب باباشمل

چهار عمل اصلی
برای نوآموزان سیاست
معادلات کرسی نشینان

يك كله طاس + يك سيمای حق بجانب و نجيب + يك عينك ظريف + اقاات
چندساله در سويس - تحصيل + و كالت كرسى خانه × چندين دوره + نفوذ محلى +
اثرى از وجاهت ملى + ارنه زياد از نام نيك بدر - پرداخت ماليات ارنه + آرزوى
ليدرى كرسى نشينان آذربايجان - موفقيت + زدوبند × تمام فرا كسيونها + فرنگى
مآبى دو آتسه مخلوط با نظاها ت مذهبى - ثروت + جرمت حرف زدن در كرسىخانه
+ دشمنان زياد = صيغة الازلامى
يك شخص - شخصيت + سه سانتيمتر كردن + يك كله كوچك + يك تسبيح
+ خانواده مرتجع در آذربايجان + يك پدر و پدر بزرگ مستبد - وجهه ملى + يك
مصب روحانيت از ترار متوفى + چند برادر و عوزاده × همه جا + سهام كارخانه تقطير
كشمكش + چندين بار چه دهات در اطراف تبريز + يكمشت رعيت بدبخت و اسير +
يك ع قلب × مدت بلا تكليفى اعتبار نامه + يك نفر طرفدار حاضر در كرسىخانه + يك
نفر طرفدار غايب در كرسىخانه + ديپلم طبابت - طبابت = د كتر اجتهادى

بقية مجلس

آقاى كاظمى - پيشنهاد ميكنم كليه
اطباء يكسال در خارج از مركز طبابت
كنند .
باباشمل - عجب، يعنى آزادى شخصى
را هم ميفرمائيد از بين ببرند . چطور است
بنده هم پيشنهاد كنم كه كرسى نشينان گرمان
بايد يكسال در جزيره قشم روى كرسى
جلوس فرمايد !

يكشنبه ۲۹ مرداد

آقاى دكتر شقى - در باب مرخصى ها
من بالاخره معتقدم متمسكين از حقوق مرخصى
صرف نظر كنند .
باباشمل - مجد موميائى كه جاى سيد
انبارا گرفت و متولى نظامنامه شد توهم
لا بد ميخواهى جاى سيدانفرميه را بگيرى
و مريضخانه درست كنى
آقاى ملك مدنى - آقاى خليل دشتى
از اشخاص خير هستند و در جنوب آثار فراوانى
دارند .

باباشمل - چه اصرارى داريد كه تمام
اشخاص خير را در تهران جمع كنيد براى
تهران انفرميه و رفقايش بس است بگذاريد
چند تا هم از اين اشخاص خير در ولايات
بمانند تا آنها هم از فيض وجود آن ها
منفيض بشوند .

آقاى فيروز آبادى - هر چند با آقاى
بين اسفند يارى رفيعم باز هم مخالفت مى
كنم بايد بصندوق خيريه بدهند .
باباشمل - لا بد با اين وجود يك باغ
چرمى خريدارى خواهند شد و بنده هم متولى
آنجا خواهم شد .

آقاى فداكار - در اصفهان با متخصصين
كه صحبت كردم ، قيمت يك متر بارچه نخى
براي كارخانه ۴ ريال تمام ميشود و در بازار
آزاد نود ريال مي فروشند . پارچه شمشى ۳۰
الى ۷۰ ريال تمام ميشود و در بازار ۵۰۰
الى ۸۰۰ ريال بفروش ميرسد . اينها دزدى و
غارت است كه ميكنند .

باباشمل - بنظرم چشم آقا ميرزا حيدر
امام را دور ديدى . . . آقاى ملت آبادى
كه هم نه يكسهم دارد و نه يك وجب زمين
و فقط محض رضائى خدا و طرفدارى از

بورس

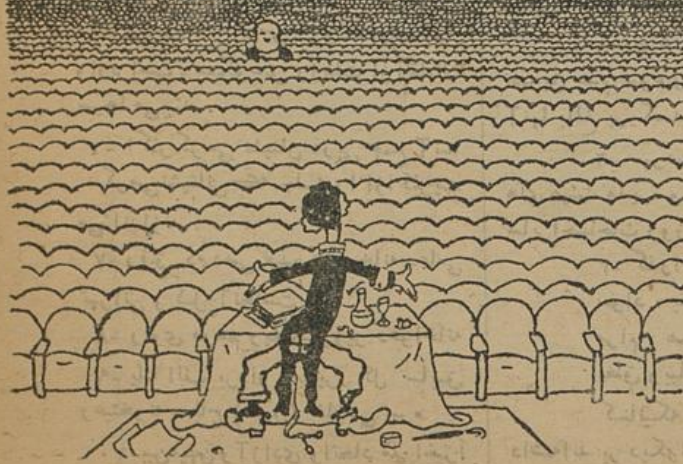
نام شركت	مبلغ اسمى هر سهم	نرخ هفته قبل	نرخ فعلى
شركت ملاغه	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۱
ميليسپاك كارتل	۱۰۰	۴۸	۴۷
شركت تضامنى ضياء	۱۰۰	۶۰	۵۹
توده كمپانى	۱۰۰	۶۱	۶۰
سوسيته آنونيم همراهن	۱۰۰	۴۱	۴۰
برادران سوسپالست	۱۰۰	۳۲	۳۱
سنديكائى خانه بدوشان	۱۰۰	۹۲	۹۱
شركت لاهيجان (بدون مسئوليت)	۱۰۰	۲۰	۱۹
جبه آزاد	۱۰۰	۲۳	۲۲
بنگاه كاريابى هشتى	۱۰۰	۳۶	۳۵
شركت بانوان	۱۰۰	۹۲	۹۱
اتحاديه توباز	۱۰۰	۱۱	۱۰
حزب ايران	۱۰۰	-	-
شركت كار	۱۰۰	-	-

تنزل عمومى در بورس . كليه اسهام يك بايه بايتم
آمده اند - بازار مكاره بهارستان نزديك بود روز ها تعطيل
كند بعضى ها معتقد بودند كه اجناس جلب را شب بهتر ميتوان
آب كرد .

وضع شركت ملاغه هنوز تثبيت نشده در بورس منتظر
تصميم بازار مكاره هستند . مدير ميليسپاك كارتل مسافرت کرده و
در غيبت از اميد ميرود اوضاع كارتل بهتر شود . تضامنى ضياء
سير عمومى را تعقيب نكرده و تنزل نموده ولى مدير شركت در
فكر آنست كه ابتكارى بخرج دهد . بعضى ها ميگويند شركت
مشروبي با اسم **نوناكالا** خواهد ساخت ولى چون فصل تابستان رو
باتمام است حدس زده ميشود كه اين كلاراسال ديگر شركت بسرمردم
خواهد گذاشت . مدير شركت جدا اظهار ميكنند كه ستاره زحل
جزء كارمندان شركت است . توده كمپانى بعد از ابراز فعاليت
بغوابرفته . آنونيم همراهن ، برادر سوسپالست ، خانه بدوشان ،
و لاهيجان آرامند . جبه آزاد در كشاكش هفته گذشته محتاج
بوصله كاري شده . كاريابى هشتى بيكاراست . بانوان مشغول
اسباب كشي هستند و از سر بل تجربيش بهتران خواهند آمد و
براي انتخاب كردن و انتخاب شدن در بازار مكاره مشغول اقدام
خواهند كرد ولى هنوزم كز فعاليت را انتخاب نكرده اند نمايش اول
اتحاديه توباز چندان سو كسه نداشت حزب ايران اولين فعاليت
اجتماعى خود را ابراز داشته و يك آگهى تسليت انتشار داد .
شركت كار دنبال كار ميكردد .

در مجمع عمومى حزب!

باشگاه حزب ۵۵ توباز



خانها و آقاها و منشى موقتي محترم

فدان خواهد شد
عيان خواهد شد
زان خواهد شد
ان خواهد شد
گران خواهد شد
نان خواهد شد
ظران خواهد شد
جان خواهد شد
جوان خواهد شد
تهديد
تهديد
زاغچه
تهران هم انفرميه اداره
قى نظارت هم نميدهد .
۲۶ مرداد
من از دو ماه است
ر ستوالى راجع بكار
اى جواب حاضر نشده اند .
وهنر - من هميشه در
يك هفته كه مريض
دا شفات بدهد . بنظرم
ب سازى گرفته بودى .
من در جلسه قبل تب
آقاى دكتر طاهرى ...
يق طبيب . مجاز لازم
كه تب داشتى !
- از ۳۲۶ سال قبل از
رخ امير البحر اسكندر
مان عبور نمود هنوز
مير و ترقى نشده است .
جب بدقدم بوده انشاء الله
رفق نحوست امير البحر
د نمود .
بادى - پيشنهاد ميكنم
قاى وزير بهداشتى داده
بعدا هم قسمت كنيم .
« بقية در صفحه ۷ »

جدول باباشمل

به اشخاصیکه این جدول را درست حل کنند از طرف کرسیخانه یک کیلو قند از محل جیره بی کوبین کرسی نشینان در ماه رمضان داده خواهد شد.

۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱									
۲									
۳									
۴									
۵									
۶									
۷									
۸									
۹									
۱۰									

افقی

- ۱- صدر اعظم - قبر
- ۲- مجد مومیائی وارث اوست .
- ۳- حرفهای کرسی نشینان آنرا ندارد - يك حرف به اولش اضافه کنی، نجومی خداوند آن میشود .
- ۴- حرف آخرش را گرد کن، در هر قانونی از آن می بینی - معکوسش صفت آقای تیموری است.
- ۵- وزیر دیوانخانه باصطلاح باباشمل
- ۶- کار اکثر کرسی نشینان .
- ۷- دم کرده آنرا در دارالغضرامیل میکنند - علامت مفعول صریح .
- ۸- دیدن آن کارها را روبراه میکند - لباس ملایری تقلید ناقصی از آن است .
- ۹- بیشتر کرسی نشینان از آنجا می آیند - اشاره بدور .
- ۱۰- اغلب کرسی نشینان آنرا ندارند - سالار شقی .

عمودی

- ۱- رئیس کرسیخانه باصطلاح باباشملها
- ۲- جرم رستم زابلی - فرا کسیون منقل .
- ۳- آنچه ملت بکرسی نشینان ندارد - جمع کردن بزبان خارجی .
- ۴- نمکدان کرسی خانه .
- ۵- ایرادی که به کرسی نشینی حاجی وانفرمیه وارد است - معکوسش را ملت از آقابالا سرها می بیند .
- ۶- اکثر کرسی نشینان در پی جمع آند - کرسی نشینانی که جلسه را از اکثریت می اندازند .
- ۷- رفیق دم دسی صدر کرسیخانه - عامی تهرانی و کیل آنجاست .
- ۸- راوی درهم ریخته - وزیر دعاخانه
- ۹- يك الف بردار، مدیر کل سابق رعیتخونه - باج (سبیل) بفارسی سره
- ۱۰- بین میهن و آزادی واتحاد ملی اخیراً برقرار شده - مخفف اسم معاون صدر اعظم

خوشمزگیهای کرسی نشینان

جلسه ۴۴ مرداد

آقای ثقة الاسلامی - آذربایجان سردسیر است .
 آقای طباطبائی - عجب !!
 آقای ثقة الاسلامی - بلی ، بلی .
 آقای طباطبائی - خوب، بقیه اش را بفرمائید ببینم!
 باباشمل - رفیق این سید کهنه روزنومی چی تورا دست انداخته و مسخره میکند ، توهم هیچ ملتفت نیستی .

آقای دکتر کشاورز - بیکمده از ساکنین کیلان اجناس انحصاری نمیدهند .
 آقای اردلان - کردستان هم همینطور .
 آقای هاشمی - کرمان هم
 آقای طوسی - همه جای ایران
 آقای دکتر کشاورز - پس اینها چه میشود و کجا میرود .
 آقای ثقة الاسلامی - والله حریرش که از اسلامبول سردر می آورد .

آقای دکتر کشاورز - چون بانوان ایرانی در چند سال اخیر که از نعمت آزادی بهره مند شده اند لیاقت و شایستگی خود را از هر حیث در انجام وظایف محوله بانبات رسانیده اند تقاضا میکنم با همان شرایط از حقوق و مزایای انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس مقننه بهره مند شوند .

آقای بهادری - برخلاف اسلام است آقای باباشمل - باریک الله ، معلوم میشود آقای شیخ محمد امیر بهادری یکی از پنج نفر علمای طراز اول هستند که بعلت پیدا نشدن چلووار شابو سرشان گذاشته اند .

جلسه ۴۶ مرداد

(درباره بیسوادی و نماندگی آقای تیموری)

آقای فرخ :
 چو در قومی یکی بیدانستی کرد
 نه که را منزلت ماند نه مهرا
 اگر گاوی بیفتد در علفزار
 بیالاید همه گاوانت ده را
 آقای هاشمی - ما گاو نیستیم آقای باباشمل - آری رستم ! آقای مرآت اسفندیاری مثل خوبی فرمودند : احترام امامزاده با متولی است . باری بچه هاز شعر سعدی و مناسب خوانی سر کار اتخاذ سند کرده اند .

آگهی استخدام

تماشاخانه بهارستان برای تکرار نمایش فریب ملت احتیاج بیک نفر نخست وزیر و یک دو جین وزیر جا افتاده دارد . داوطلبان باید از امروز تا یکشنبه پنجم شهریور که روز ختم دوره قدیم نمایش مزبور است در محل تماشاخانه واقع در میدان بهارستان خود را معرفی کرده و مدارک زیر را ارائه دهند .

- ۱- داشتن تصدیق عدم سوابق آزادیخواهی و همچنین تصدیق عدم سوء رفتار نسبت بهیست مدیره تماشاخانه که تعداد آنها بالغ بر یکصد و سی و شش نفر میباشد .
- ۲- سپردن تعهد کتبی دایر بر انجام دادن کلیه خواهش های هیئت مدیره و تامین لاستیک و قند و قماش و روغن و برنج و سایر احتیاجات روزانه آنها .
- ۳- گذراندن مسابقه ورودی در قسمتهای زیر :
 سواد : بقدر امضاء کردن زیر حواله جات هیئت مدیره
 مرام : همرنگ هیئت بودن .
 نطق و بیان : بقدر سبیل کردن استیضاح .
 کسانی که سوابق و کالت یا وزارت در بیست سال اخیر داشته اند بر دیگران مقدمند .

متولیان تماشاخانه

نومه دیلماج میلیسپاک

هلوجنی ! هلو بابا ! این چیزائی که تورا جمع بار باب توروزنامهات مینویسی و ما بایدا و نارو و اسه اش ترجمه کنیم گاهگاهی خیلی اسباب زحمت ما میشه و بیشترا باک توش در میمونیم .
 مثلاً تو روزنومه هفته گذشته شعرای پای عکسوخواستیم واسه یارو ترجمه کنیم همه رودست بهش حالی کردیم تا رسید به شعر «ست باباشمل زبشت ستون شیشکی گفت : تند میرانی !» هرچی فکر کردیم شیشکی را چی ترجمه کنیم عقلمون بجائی قد نداد . عرق از سر و صورتمون سرازیر شده . یارو هم پا شو تویه کفش کرده بود و معنیشو میخواست . ما دیدیم چاره ندازیم و ممکنه از نون خوردن بیفتیم این بود که دلمونو بدریا زدیم و دستمونو بردیم دم دهنمونو به شیشکی محکم برای یارو بستیم اوهم به قدری فکر کرد و یه نکانگامی بما کرد و بزبان نیکی دنیائی گفت .

«آی سی !»

اما حالا ازت لوطیونه خواهش میکنم بعد از این تو روزنومهات چیزائی بنویسی که بتونیم برای یارو ترجمه کنیم و از نون خوردن نیفتیم .

دیلماج باشی

باباشمل - کلابی جنی ! کلابی دیلماج باشی ! اولن بابا را ببخش که معنی اوت هلوی تورا درس حالی نشد . خیال میکنم توهم این حرفا روارا بابت یاد گرفته ای که بنظرم هر وقت میخان یکی رو صدش کنن و یا بهش نومه بنویست عوض فدایت شوم ، تصدق حضور مبارک شوم ، اسم به میوه ای رو که دوست دارن بنافش مینندن . منم چون از کلابی خوشم میاد اینه که بهت کلابی خطاب کردم . اما او مدیم سر اینکه خدا نکرده نوشته های بابا باعث درد سر توشده و ترجمه کردنش اسباب زحمته ، عرض کنم خدمت دیلماج باشی خودم که تولا اقل نون اونو میخورم و زحمت هم میکشی ولی ما کور و کچلا که نون خودمونو میخوریم و بیست و چهار ساعت مدام هم باید از دست اوناله کنیم چه تقصیر داریم ! یکی هم زیاد غصه این چیزارو نخورور واهمه هم نداشته باش اون شیشکی را هم که تونافش بستنی بکسو بحساب بابا بنویسه . خدا بزرگه .

مخلصت باباشمل

نامه هفتگی باباشمل

روزهای پنجشنبه منتشر میشود صاحب امتیاز و مدیر مسئول : رضا شنبه محل اداره : خیابان شاه آباد جنب کوچه ظهیر الاسلام تلفن : ۵۴-۸۶
 مقالات وارده مسترد نمیشود . اداره در درج و حک و اصلاح مقالات وارده آزاد است . بهای لواحق خصوصی و آگهیها با دفتر اداره است :

بهای اشتراك

یکساله : ۴۰۰ ریال
 ششماهه : ۱۰۰ »
 وجه اشتراك قبلا دریافت میشود بهای تک شماره یکروز پس از انتشار دو مقابل خواهد بود .



سال دوم - شماره مس

